

## **A study of the Migration and Establishment of Armenian Families in the Suburbs of Isfahan during the Safavid Period; A Case Study of Lenjan Area**

**Hossein Hashemzade-Dorche-Abedi\***

**Faiz-allah Boushasb-Goshe \*\*, Sayyid Ali Reza Abtahi \*\*\***

### **Abstract**

Shah Abbas I moved a group of Armenians from their homeland to Some of areas in Suburbs of his capital in the early 17th century. The presence of Armenians in Isfahan and its suburbs was considered as immigration groups who had no right to choose a place and moved to these areas. Accordingly, some of their inhabitants and farmers were settled in some rural areas of Lenjan. The present article seeks to answer the following questions by descriptive-analytical method and using the space of field research: What were the purposes of settling Armenian families in Lenjan and which of the rural areas of Lenjan were Armenian? What important effects did the Armenians have on their economic situation during their presence in this region? The findings show that: Immigrant Armenians settled in large areas of Lenjan for political, economic, and defense purposes. The support of the Safavid kings for the Armenians and the integration of the native and skilled labor force led to the prosperity of agriculture and related activities in the region; Several settlements were established by them and work and production flourished in the region. Towards the end of the Safavid period, Armenians suffered from religious and economic pressures.

**Keywords:** Armenians, Migration, Lenjan, Safavid, Armenian Village.


---

\* PhD Student of Islamic History, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran, hashemzadeh2446@gmail.com

\*\* Associated Professore of History, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran, (Corresponding Author), boushasbfeizollah@gmail.com

\*\*\* Assistance Professore of History, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran, ar-abtahi@phu.iaun.ac.ir

Date received: 17/9/2020, Date of acceptance: 14/11/2020

 Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## تحلیلی بر مهاجرت و اسکان خانوارهای ارامنه در حومه اصفهان دوره صفوی؛ نمونه پژوهی: منطقه لنجان

حسین هاشم‌زاده درچه عابدی\*

فیض‌الله بوشاسب گوشه\*\*، سیدعلیرضا ابطیحی\*\*\*

### چکیده

در اوایل قرن ۱۱ق/۱۷م، شاه‌عباس اول گروه‌هایی از خانوارهای اتباع ارمنی را از موطن آن‌ها در جلفا و ایروان به اصفهان و مناطقی از حومه آن کوچ داد. حضور ارامنه در اصفهان و حومه آن به‌مثابه گروه‌های مهاجری تلقی شدند که حق انتخاب محل نداشتند و به این مناطق کوچانده شدند. بر این اساس، بخشی از ده‌نشینان و کشاورزان آن‌ها در بعضی نواحی روستایی منطقه لنجان اسکان داده شدند. مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از فضای جستارهای میدانی به‌دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست: اسکان خانوارهای ارامنه در لنجان با چه اهدافی صورت گرفت و کدام‌یک از نواحی روستایی لنجان ارمنی‌نشین بودند؟ ارامنه طی حضور خود در منطقه لنجان چه تأثیرات مهمی در وضعیت اقتصادی این منطقه داشتند؟ یافته‌ها نشان می‌دهند که ارامنه مهاجر با اهداف سیاسی، اقتصادی، و دفاعی در سطح وسیعی از نواحی حاصل‌خیز لنجان سکونت داده شدند. حمایت شاهان صفوی از ارامنه و تلفیق نیروی کار بومی و ماهر سبب رونق کشت و زرع و فعالیت‌های وابسته به آن در منطقه شد؛ به‌دست آن‌ها آبادی‌های چندی بنیان نهاده شد و کار و تولید در منطقه رونق گرفت. در اواخر دوره صفوی ارامنه متحمل فشارهای اقتصادی و مذهبی شدند.

**کلیدواژه‌ها:** ارامنه، روستای ارمنی‌نشین، صفویه، لنجان، مهاجرت.

\* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران،

hashemzadeh2446@gmail.com

\*\* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)،

boushasbfeizollah@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران، ar-abtahi@phu.iaun.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۴



## ۱. مقدمه

شاه‌عباس اول جابه‌جایی و کوچ ناگزیر گروه‌هایی از خانوارهای روستایی ارامنه به مناطق روستایی لنجان در دوره صفویه را در جریان جنگ دولت صفویه با کشور عثمانی انجام داد (غوگاسیان ۱۳۹۳: ۸۵). این کوچ اجباری در ظاهر با هدف نجات خانوارهای ارامنه از چنگ لشکریان عثمانی دنبال شد. شاه‌عباس پس از کوچاندن ارامنه مهاجر به اصفهان خانوارهای روستایی ارامنه را در بلوک‌هایی از اصفهان پراکند که آب‌وهوایی خوش داشتند و زمین‌های آن‌ها حاصل‌خیز و بارآور بود (دروهانیان ۱۳۷۹: ۵۴). لنجان، در جنوب‌غربی اصفهان، از جمله بلوک‌های حاصل‌خیزی بود که برای اسکان بخشی از خانوارهای مهاجر در نظر گرفته شد. این منطقه در آن زمان سرزمین وسیعی را شامل می‌شد که به سبب موقعیت خاص جغرافیایی و قرارگرفتن بر سر راه اصفهان به خوزستان، با خاک حاصل‌خیز و آب حاصل از زاینده‌رود و همچنین وجود ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی مورد توجه حاکمان صفوی بود. روایت منابع ارمنی و فارسی‌زبان، اسناد، و فرمان‌های موجود در کلیسای وانک جلفای نو، که در بعضی منابع فارسی‌زبان نیز به چاپ رسیده است (برای آگاهی از متن این اسناد و فرمان‌ها، بنگرید به اعرابی هاشمی ۱۳۹۴: ۲۶۳-۲۷۴)، همچنین اسامی بعضی روستاها نظیر «مهرنجان ارامنه»، «نظام‌آباد قلعه ارمنی»، «ممد ارامنه»، و گفته‌های آگاهان محلی، که سینه‌به‌سینه به نسل‌های امروز منتقل شده است، حاکی از آن است که تعداد بسیاری از روستاهای منطقه لنجان ارمنی‌نشین بودند.

مسئله این مقاله آن است: شاه‌عباس اول در خصوص اسکان خانوارهای ارامنه مهاجر در لنجان چه شرایط و ضوابطی را در نظر داشت و چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟ حمایت صفویان از ارامنه مهاجر چگونه بود؟ ارامنه در کدام نواحی روستایی سرزمین وسیع لنجان اسکان داده شدند؟ اسکان ارامنه و افزایش نیروی کار فعال به مرور زمان چه تأثیراتی در وضعیت اقتصادی لنجان داشت؟ ارامنه تا چه زمانی در منطقه لنجان به سر بردند و چه سرنوشتی داشتند؟

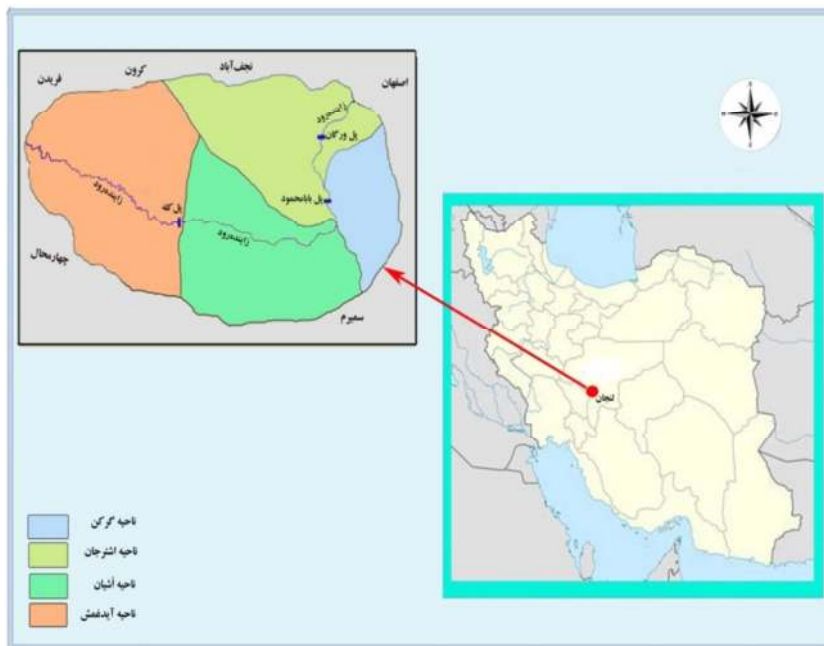
فرض مسئله بر این است که شاه‌عباس اول، با در نظر گرفتن ظرفیت‌های بالقوه لنجان در کشت و تولید، ارامنه را در این بلوک جای داد. او با حمایت‌های مالی و مذهبی خود ارامنه را در نقاط متعددی از نواحی روستایی لنجان اسکان داد و در فکر توسعه اقتصادی و افزایش تولیدات زراعی و دامی این دیار بود. به نظر می‌رسد ارامنه حداقل تا پایان دوره صفوی در لنجان به سر برده‌اند و سرانجام جمعی از آن‌ها در جامعه بومی منطقه ادغام شده و جمعی دیگر از منطقه مهاجرت کرده‌اند.

مقاله حاضر در نظر دارد تا، به روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از تحقیق میدانی و کسب اطلاع از آگاهان محلی در منطقه و با هدف شناخت روستاهای ارمنی‌نشین لنجان و آثار احتمالی به‌جامانده از آن‌ها، پدیده کوچ ناگزیر ارامنه به لنجان را مطالعه و بررسی کند. در این خصوص، در کارهای پژوهشی انجام‌شده کار تحقیقی مستقل و مشخصی پیرامون روستاهای ارمنی‌نشین لنجان به‌دست نیامد. کتاب *تاریخ ارامنه جلفای اصفهان*، که از زبان ارمنی قدیم به فارسی ترجمه شده است، بحثی درباره روستاهای ارمنی‌نشین حومه اصفهان مطرح کرده است (دروهانیان ۱۳۷۹: ۲۰، ۲۱). کتاب *تاریخ ارامنه ایران در قرن هفدهم* نیز از زبان ارمنی به فارسی ترجمه شده و درخصوص روستاهای ارمنی‌نشین اطراف اصفهان مباحثی را به‌صورت پراکنده به‌میان آورده است (غوگاسیان ۱۳۹۳: ۹۴، ۹۵). درمیان کارهای تحقیقاتی اخیر می‌توان به کتاب *ارامنه جلفای نو در عصر صفوی* اشاره کرد که مطالبی در این خصوص ذکر کرده است (اعرابی هاشمی ۱۳۹۴: ۸۸، ۸۹). مقاله «وضعیت ارامنه ایران در عصر شاه‌عباس اول» اشاره مختصری به ارامنه ساکن در حومه اصفهان داشته است (خزائیلی ۱۳۸۶: ۷). توجه به مهاجرت ارامنه به حومه اصفهان و مناطق روستایی هم‌جوار پایتخت صفوی موضوعی است که کم‌تر محققان به آن توجه کرده‌اند. امروزه تنها برخی از روستاهای ارمنی‌نشین حومه اصفهان اسامی کهن خود را حفظ کرده‌اند. موضوعی که در پژوهش پیش‌رو مدنظر بوده است، آشنایی با منطقه و کسب داده‌های میدانی در شناخت القاب و اسامی صحیح نواحی ارمنی‌نشین لنجان است که در پژوهش‌های یادشده کم‌تر به آن توجه شده است.

## ۲. لنجان

لنجان در این پژوهش شامل حدود جغرافیایی لنجان قدیم است. شهرستان لنجان، از استان اصفهان با مرکزیت زرین‌شهر، امروزه تنها بخش کوچکی از لنجان قدیم را دربر می‌گیرد. لنجان در دوره موردبحث منطقه‌ای بود در جنوب‌غربی اصفهان و هم‌جوار با پایتخت صفوی که تا مرز چهارم‌حال بختیاری ادامه داشت. عرض آن سه فرسخ و طول آن از کناره زاینده‌رود شانزده فرسخ اعلام شده است. مغرب آن فریدن و چهارم‌حال بختیاری، مشرق آن جی و ماربین اصفهان، شمال آن کرون، و جنوب آن سمیرم قرار داشت (الاصفهانی ۱۳۶۸: ۳۱۱). به‌عبارت‌دیگر، لنجان ناحیه وسیعی بود بین بلوک ماربین اصفهان و بلوک چهارم‌حال که در دو طرف حاشیه زاینده‌رود قرار داشت (مهریار ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۷۱). منطقه لنجان با زمین‌های حاصل‌خیز حاصل از آبرفت‌های زاینده‌رود از دشت و کوه تشکیل

شده بود. این منطقه با مرکزیت سیاسی شهر فیروزان، به طور مشخص، از اواخر دوره ایلخانی از مضافات اصفهان به شمار رفته است. هم‌جواری لنجان با اصفهان سبب شده است تا تاریخ اجتماعی این سرزمین برگرفته از روی داده‌های سیاسی - اجتماعی اصفهان باشد. در این خصوص، حمدالله مستوفی در اواخر دوره ایلخانی می‌نویسد: «فیروزان در آب‌وهوا و غله و میوه و پنبه و غیر آن، طبع، خوی، و مذهب اهل آن‌جا مانند اصفهان است» (مستوفی ۱۳۸۱: ۹۴). در آن زمان از فیروزان و اشترجان به‌منزله نواحی شهری لنجان نام برده شده است (ابن بطوطه ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۴۶). لنجان در آن زمان از دو منطقه متصل به هم به نام‌های «لنجان» و «النجان» تشکیل می‌شد که در اعم هر دو منطقه به نام «لنجان» خوانده می‌شد (مهریار ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۷۱). لنجان در گذشته به چهار ناحیه متصل به هم به نام‌های آیدغمش، اُشیان، گرکن، و اشترجان تقسیم می‌شد (حسینی ابری ۱۳۷۹: ۹۹). این منطقه سرزمینی پرآب و مستعد کشت و زرع بود که باغات فراوان نیز داشت. در این دیار محصولاتی نظیر برنج، پنبه، پیاز، خشخاش، انواع حبوب، خربزه، و سبزیجات در وسعتی زیاد کشت می‌شد (الاصفهانی ۱۳۶۸: ۳۱۳). محدوده لنجان قدیم امروزه شامل شهرستان‌های فعلی لنجان، مبارکه، فلاورجان، و بخش‌هایی از شهرستان‌های هم‌جوار آن‌هاست.



شکل ۱. نواحی چهارگانه لنجان و مسیر زاینده‌رود در آن (منبع: نگارندگان)

### ۳. تأثیر انتقال پایتخت صفوی در لنجان

در سال ۱۰۰۶ق شاه‌عباس اول پایتخت صفوی را از قزوین به اصفهان انتقال داد. هم‌جواری لنجان با پایتخت صفوی تأثیرات مهم سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی در لنجان داشت. در ابتدا مرمت، توسعه، و ترمیم راه‌های ورودی به پایتخت ضرورت قلمداد شد. در خصوص منطقه لنجان این اقدام در جهت تسهیل رفت‌وآمد کاروانیان از اصفهان با عبور از مسیر لنجان به سوی جنوب و جنوب‌غربی صورت گرفت. شاه‌عباس اول در نظر داشت که با ساخت پل ورگان بر زاینده‌رود، در نقطه استراتژیک روستای ورگان، گردنه صعب‌العبور آبیل را از مسیر حذف کند و مسیر هموار و کوتاه‌تری را پیش‌روی کاروانیان قرار دهد. در این حال، این مسیر سراسر با عبور از پل ورگان و در ادامه مجدداً عبور از پل کله رفت‌وآمد کاروانیان در مسیر جنوب‌غربی و چهارمحال را تسهیل کرد. این مسیر همان است که ماکسیم سیرو (Maxime Siroux) در تشریح راه‌های منطقه اصفهان به آن اشاره کرده است (سیرو ۱۳۵۷: ۴۹، ۳۱۴). این تغییر مسیر در عبور و مرور کاروانیان شرایط مناسبی را فراهم کرد، اما ادامه حرکت کاروانیان در مسیر جدید بعضی مناطق روستایی و شهری از جمله نواحی فیروزان و اشترجان را به حاشیه راند. این نواحی آباد و پررونق به مرور زمان، به دلیل خارج شدن از مسیرهای اصلی کاروان‌رو، اهمیت و رونق خود را از دست دادند. از سوی دیگر، تغییر مسیر کاروان‌رو سبب آبادانی حاشیه پل ورگان شد و با گذشت زمان، در دوره‌های بعدی، روستای ورگان و کلیشاد توسعه و گسترش یافتند.

رفته‌رفته با افزایش جمعیت پایتخت نیاز روزافزون مردم به مواد غذایی و سایر ملزومات زندگی کار و تولید را در اصفهان و نواحی هم‌جوار آن از جمله در لنجان رونق بخشید. با انتقال پایتخت صفوی به اصفهان و آغاز شکل‌گیری تحولات سیاسی - اجتماعی مختلف، نواحی حاصل‌خیز حوزه آبیاری زاینده‌رود در لنجان در کنار پایتخت و در سطح وسیعی از حاشیه زاینده‌رود مورد توجه قرار گرفت. زارعان منطقه لنجان در مزارع و کشت‌زارهایی کار می‌کردند که متعلق به شاهان صفوی بود. در دوره صفویه زمین‌های منطقه لنجان از زمین‌های خاصه و متعلق به شاه بود. در این دوره، لنجان تحت نظر اداره خاصه قرار داشت. امور مهم مربوط به کشت و زرع در لنجان مستقیم زیر نظر دربار و حکم شاه انجام می‌شد (منجم ۱۳۶۶: ۴۲۹). در زمان پرآبی زاینده‌رود و کشت وسیع محصولات درآمد بسیاری از حوزه آبیاری این رود در لنجان به خزانه صفویان تعلق می‌گرفت. در بودجه دربار صفوی بزرگ‌ترین رقم درآمد متعلق به املاک خاصه بود (کمپفر ۱۳۶۳: ۱۱۱). در اهمیت لنجان،

توجه به این نکته درخور توجه است که در طومار تقسیم آب منسوب به شیخ بهایی از کل ۳۲ سهم آب زاینده‌رود حدود یک‌سوم یعنی ده سهم آن متعلق به منطقه لنجان است (برای اطلاع از متن طومار، بنگرید به حسینی ابری ۱۳۷۹: ۹۳). با استقرار نظام سیاسی صفوی در اصفهان، بخشی از نیروی کار فعال منطقه در تبادل محصولات تولیدی بین شهر و روستا در مسیر پایتخت فعالیت می‌کردند. طبق معمول عده‌ای از جمعیت‌های انسانی نیز برای کسب درآمد و گذران زندگی خود به سوی پایتخت درحال توسعه روانه شدند.

انتقال تختگاه صفوی علاوه بر رونق تولید و تسهیل راه‌های ارتباطی کاروان‌رو سبب شد تا هنرمندان، دانشمندان، و عالمان زیادی از نقاط مختلف ایران و جهان به پایتخت صفوی روی آورند (یزدی ۱۳۸۹: ۴۴). گسترش فنون و افزایش مدارس و بعضی مراکز دینی پایتخت، توسعه علم، دانش، و هنر را به‌هم‌راه داشت. به تدریج منطقه لنجان نیز در جوار پایتخت از هنرهای دوره صفوی بهره‌مند شد. معماری دوره صفوی در لنجان از جمله وجود پل تاریخی ورگان، برج‌های کبوتر در لنجان، خانه‌های تاریخی به‌جای‌مانده از دوره صفوی، و همچنین پیشینه مشاغل قدیمی به‌جای‌مانده در منطقه گویای تأثیر علم، فن، و هنر دوره صفوی در لنجان است. لنجان در فلات خشک و کم‌آب ایران از دورترین ازمینه تاریخی در زمان پرآبی زاینده‌رود به طراوت، سرسبزی، و داشتن مزارع، باغ‌ها، بیشه‌زارها، و وفور پرندگان شکاری معروف بوده است.

شرایط و موقعیت جغرافیایی مناسب به‌هم‌راه نزدیکی به پایتخت لنجان را در شمار تفرجگاه‌های شاهان صفوی قرار داد (برای آگاهی از شکارگاه‌های صفوی در لنجان، بنگرید به منجم ۱۳۶۶: ۳۵۳، ۳۵۴؛ نصیری ۱۳۷۳: ۲۷۲؛ واله اصفهانی ۱۳۸۰: ۵۴۹؛ وحید قزوینی ۱۳۲۹: ۲۴۰، ۲۹۷، ۲۹۸). واله اصفهانی درخصوص هم‌جواری شکارگاه‌های لنجان با پایتخت می‌نویسد «شکارگاه‌های فرح‌افزای لنجان قرب‌جوار به مقرر سلطنت‌پایدار دارد» (واله اصفهانی ۱۳۸۰: ۶). گفتنی است حضور شاهان صفوی در شکارگاه‌های لنجان دسترسی به مقامات بالای هرم قدرت را برای مردم لنجان تسهیل کرد.

به‌باور انگلبرت کمپفر (Engelbert Kaempfer)، مردم در مقر پایتخت بهتر می‌توانستند از ظلم و جور حکام و والیان در امان باشند و دادخواهی کنند (کمپفر ۱۳۶۳: ۱۸۵). لنجان، در جنوب غربی پایتخت، هم‌جوار با اقوام بختیاری و در مسیر راه‌های تجاری کاروان‌رو به‌لحاظ استراتژیکی و امنیتی و موقعیت سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی در این دوره بخشی از بار پایتختی صفوی را بر دوش کشید.



در یک جمع‌بندی کلی، که دور از انتظار نیست، می‌توان انتقال پایتخت صفوی را نقطه عطفی در روی‌دادهای سیاسی و اجتماعی لنجان دانست. پس از این روی‌داد مهم، تقسیم آب زاینده‌رود نظام‌مند شد، راه‌های بسیاری ترمیم یا ساخته شد، و کاروان‌سراهایی بر سر راه‌های منطقه ترمیم یا احداث شد که آثار برخی از آن‌ها تا سال‌های نه چندان دور باقی بود. در این زمان، جمعیت منطقه هم‌پای جمعیت پایتخت افزایش یافت و امنیت راه‌ها و مراکز سکونت‌ی بیش از پیش برقرار شد. افزایش جمعیت و نیروی کار ماهر در لنجان پایه تحولات مثبتی در این منطقه شد، اما هجوم جمعیت به پایتخت و مناطق اطراف آن به‌مرور سبب شد تا آب موجود در زاینده‌رود کفاف جمعیت ساکن در حوزه آب‌رسانی این رود را ندهد (سیوری ۱۳۸۵: ۱۵۵). شاردن (Jean Chardin) می‌نویسد: «به اعتقاد من جمعیت اصفهان از عده ساکنان لندن، که از پرجمعیت‌ترین شهرهای اروپاست، کم‌تر نیست» (شاردن ۱۳۷۵: ج ۴، ۱۳۹۱). در درازمدت افزایش دور از انتظار میزان جمعیت پایتخت در کنار رشد و توسعه آن سبب شد تا اصفهان در زمان بلایا، مصائب طبیعی، و... با مشکلات زیادی روبه‌رو شود.

#### ۴. کوچ ناگزیر ارامنه

در سال ۱۰۱۲ق شاه‌عباس اول برآن شد تا نسبت به بازپس‌گیری ولایاتی اقدام کند که قبلاً به عثمانی‌ها واگذار شده بود. شاه که قصد نداشت با سپاه بزرگ عثمانی روبه‌رو شود، پس از تصرف این ولایات عقب‌نشینی کرد. سپاه ایران قصد داشت تا مسیر لشکر عثمانی را چنان ویران کند که قدرت زیست از آن‌ها سلب شود و در پی نیافتن علیق و آذوقه ناچار به بازگشت شوند. شاه‌عباس کبیر در ظاهر برای گرفتارنشدن ساکنان این مناطق در چنگ سپاهیان عثمانی آن‌ها را، که عمدتاً ارمنی بودند، به سمت ایران کوچ داد (غوغاسیان ۱۳۹۳: ۸۱). شاه‌عباس دستور داد تا هریک از اقوام ارمنی مهاجر را به ولایتی انتقال دهند که سرزمین، آب‌وهوا، و مقتضیات زندگانی ارامنه به وطن اصلی ایشان شبیه و نزدیک بود (فلسفی ۱۳۴۷: ج ۳، ۲۱۷). در بهار ۱۰۱۳ق گروه‌هایی از خانوارهای ارامنه کوچ‌داده‌شده در برخی مناطق و نواحی اصفهان و حومه، از جمله در لنجان، سکنا داده شدند (غوغاسیان ۱۳۹۳: ۸۵). شاه‌عباس در همین سال به طهماسب قلی‌بیک، سردار سپاه خود، فرمان داد تا ساکنان جلغا را به اصفهان کوچ دهد و جلغا را از بیخ‌وبن ویران و نابود کند. وی حدود ده‌هزار خانوار ارمنی را به نواحی مرکزی حکومت صفوی منتقل کرد (بابیوردیان ۱۳۷۵: ۳۶). در جریان

کوچ ارامنه به اصفهان شهرنشینان را در شهر و کشاورزان و دهنشینان را در قصبات و بلوک‌های حومه اصفهان جای دادند (درهوهانیان ۱۳۷۹: ۱۹). در منابع اصلی و پژوهشی مرتبط با عهد شاه‌عباس اول، تختگاه صفویه و حومه آن از مراکز اصلی و مهم تجمع و اسکان خانوارهای مهاجر ارمنی دانسته شده است. مورخان شمار مشخصی از تعداد خانوارها و دفعات کوچ گروهی آن‌ها را ذکر نکرده‌اند.

درهوهانیان به نقل از آراکل ارمنی کوچندگان از ارمنستان را در سه گروه بی‌شمار دانسته که اولین بخش آن‌ها را ۲۳ هزار تن برآورد کرده است (همان: ۵۴). با توجه به تعداد زیاد روستاهای ارمنی‌نشین منطقه لنجان، که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد، می‌توان دریافت که شمار زیادی از خانوارهای روستایی ارامنه در جریان این جابه‌جایی‌ها به لنجان کوچ داده شده‌اند. در منابع مرتبط با کوچ ارامنه به لنجان از مهاجران گرجی به‌طور مشخص سخنی به‌میان نیامده است. در تحقیقات میدانی و گفت‌وگو با آگاهان محلی روستاهای لنجان ردی از آن‌ها به دست نیامد. به نظر نمی‌رسد شمار گرجیان مسیحی واردشده به این منطقه درخور توجه بوده باشد. در این صورت ممکن است این شمار اندک نیز بعد از مدتی به هم‌نوعان خود در منطقه فریدن پیوسته باشند یا با پذیرش اسلام در جامعه بومی محلی مستحیل شده باشند. شمار ارامنه گرجی، که به اسلام گرایش پیدا می‌کردند، به مراتب بسیار بیش‌تر از ارامنه دیگر گزارش شده است. کمپفر شمار گرجیان اسلام‌آورده ساکن در پایتخت صفوی را بالغ بر بیست هزار تن بیان کرده و بر این باور است که این گروه از ارامنه درقبال امتیازات کوچک دریافت‌شده به مذهب شیعه گرایش پیدا می‌کردند (کمپفر ۱۳۶۳: ۱۸۵). گرجیان نه تاجرپیشه بودند و نه صنعت‌کار، اما جنگ‌جویان دلیری بودند. شاه‌عباس اول به‌طور مشخص گرجیان را در منطقه فریدن، واقع در حومه اصفهان، اسکان داد و آب‌وهوا و ارتفاع این منطقه شباهت زیادی با موطن اصلی آن‌ها داشت.

## ۵. استقرار ارامنه مهاجر در منطقه لنجان

شاه‌عباس اول مهاجران ارامنه روستایی را که مردمانی پرتلاش، زحمت‌کش، و گاهی صنعت‌گر و در کار خود ماهر بودند به اصفهان آورد و در بلوک‌های حاصل‌خیز حومه اصفهان جای داد. ارامنه‌ای که در پی این کوچ ناگزیر به اصفهان و حومه آن کوچانده شدند، در یک زمان به این مناطق وارد نشدند، بلکه بالغ بر هفت تا هشت بار به‌تناوب به این

نواحی کوچانده شدند (Arakel 1988: 123). منطقه لنجان با ظرفیت مهاجرپذیری خود توانست به‌دفعات بسیاری از خانوارهای ارامنه مهاجر را درخود جای دهد. هم‌چنین، بررسی ظرفیت و موقعیت روستاهای ارمنی‌نشین لنجان نشان می‌دهد که در استقرار خانوارهای ارمنی در این منطقه دست‌رسی به زمین‌های مستعد کشت موضوعی بود که شاه‌عباس اول به آن توجه داشت. ارامنه مهاجر عمدتاً در زمین‌های آبرفتی و مناسب کشت در دو سوی زاینده‌رود مستقر شدند. شواهد امر حاکی از آن است که در فرصت پیش‌آمده از زمان کوچ و اسکان موقت تا انتقال ارامنه مهاجر به نواحی مختلف برنامه‌ریزی لازم درجهت نیل به اهداف تعیین‌شده اتخاذ شد.

پس از استقرار خانوارهای روستایی ارامنه در نواحی در نظر گرفته‌شده از طرف دربار شاه به‌قدر کافی بذر و سایر ملزومات کاشت به هر ناحیه اختصاص یافت. به تھی‌دستان آن‌ها گاو و حیوانات دیگری داده شد که در زراعت استفاده می‌شد تا درابتدا درآمدی درحد کفایت به‌دست آوردند (درهوهانیان ۱۳۷۹: ۵۴). حکومت صفوی پس از استقرار ارامنه در روستاهای حومه اصفهان زمین‌های کشاورزی در اختیارشان گذاشت. آن‌ها در امور مهم زندگی خود در ارتباط مستقیم با حکومت قرار داشتند و به نسبت تولید محصولات خود به حکومت صفوی مالیات پرداخت می‌کردند (حق‌نظریان ۱۳۸۵: ۱۵). در دوره صفوی بخشی از درآمد دولت صفوی از بابت مالیاتی بود که از زمین و منابع آب حاصل از زاینده‌رود و چشمه‌ها گرفته می‌شد (لمتون ۱۳۶۲: ۲۴۰، ۲۴۱). گفته شده است وقتی شاه‌عباس اول مسیحیان را به اصفهان و روستاهای اطراف آورد، مسلمانان را از خانه‌ها و مکان‌های خود اخراج کرد و آن خانه‌ها و مکان‌ها را به مسیحیان واگذار کرد (ibid.: 64-66). به‌نظر نمی‌رسد که این عمل در سطح گسترده‌ای از روستاهای موردنظر رخ داده باشد. مراحل استقرار، تثبیت موقعیت، سازگاری اجتماعی، و سرانجام مرحله افول نهایی و مهاجرت یا مسحیل شدن در جامعه بومی منطقه مراحل از زندگی اجتماعی ارامنه لنجان بود که درطول دوره اقامت آن‌ها در لنجان طی شد.

## ۶. روستاهای ارمنی‌نشین لنجان

در ترجمه منابع ارمنی یا فارسی یا در نوشته‌های افراد ناآشنا با منطقه، گاهی اسامی روستاهای ارمنی‌نشین متفاوت با اصل نام این روستاها روایت شده است. منابع مکتوب اسامی روستاهای ارمنی‌نشین لنجان را به شرح جدول ۱ معرفی کرده‌اند.

جدول ۱. اسامی روستاهای ارمنی نشین لنجان در منابع (منبع: نگارندگان)

کرکن، بارتون، زودون، جوزان، کلیسان، پلارد، بروزاد، سمسون، خوانسارک، میرگون، کله، مشاغبور، پیدون، زازران، کاپاشان، بُندارد، کورج، مِمَد (درهوهانیان ۱۳۷۹: ۶۱۹).
کئارکین، پارتان، زودان، جوزدان، کالیسان، پلارد، بروزارد، سمسان، خونسارک، میرگیون، کئاله مسیح، بون دارد، زازران، میمید، مشاغبور (شاه‌آباد)، بیدان، کاروج، کاپاشان، وردان، کارتمان، فندروی، کوه‌کلامان، زوالی، سوسان (غوگاسیان ۱۳۹۳: ۹۴، ۹۵).
کارکن، بارتون، زودون، جوزون، کلیسون، پلارت، بروزاد، سمسون، خوانسارک، میرگون، کله مسیح، مشاغبور، پیدون، زازران، کاپاشان، بُندارد، کورج، مَمَد (اعرابی هاشمی ۱۳۹۴: ۸۸).
شهاب‌آباد ارامنه، «مهرنجان ارامنه»، «قلعه ارمنی» یا نظام‌آباد، (حسینی ابری ۱۳۷۹: ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹)؛ «ممد انتقالی» یا «ممد ارامنه» (جابری انصاری ۱۳۲۱: ۱۳۴)؛ «قرطمان»، «پیریکران» (مه‌ریار ۱۳۸۱: ۵۷۴، ۶۳۱).

در شناسایی روستاهای ارمنی نشین لنجان بعضی اسامی تغییر چندانی نیافته‌اند. بعضی اسامی طی دو سه مرحله تغییر کرده‌اند، اما رد آن‌ها در منابع مختلف تشخیص داده می‌شود. بعضی اسامی مربوط به مناطق هم‌جوار لنجان است؛ مانند روستای قرطمان که در مرز بلوک لنجان و بلوک ماریین قرار داشت و احتمالاً در دوره‌ای کوتاه در حوزه سرزمین لنجان قرار داشته است یا روستای ارمنی نشین «کارکن» که از روستاهای ارمنی نشین فریدن نیز ذکر شده است (مه‌ریار ۱۳۸۱: ۵۷۴)، اما در لنجان نشانی از آن یافت نشد.

بعضی از روستاهای لنجان مانند روستای «قلعه‌مهرنجان ارامنه» و روستای «قلعه ارمنی یا نظام‌آباد» باتوجه به این‌که در طومار منسوب به شیخ‌بهایی با پسوند ارامنه ذکر شده‌اند (حسینی ابری ۱۳۷۹: ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹) و باتوجه به گفته‌های آگاهان محلی و شواهد موجود که ارمنی نشین بودن آن‌ها را تأیید می‌کند، در منابع ارمنی مرتبط با کوچ ارامنه از آن‌ها یاد نشده است. به نظر می‌رسد ارامنه ساکن این روستاها از ارامنه‌ای نبودند که در دوره شاه‌عباس اول به لنجان کوچ داده شدند. روستاهای «فندروی»، «کوه‌کلامان»، «زوالی»، و «سوسان» به استناد بخشی از عریضه‌ای که اواخر قرن یازدهم هجری قمری در شرح وفاداری به خلیفه‌گری جلفای نو منتشر شد، در شمار روستاهای ارمنی نشین لنجان آورده شده‌اند (غوگاسیان ۱۳۹۳: ۹۵)، اما در طومار منسوب به شیخ بهایی و در منابع دیگر و در تحقیقات میدانی ردی از آن‌ها مشخص نشد. احتمالاً این روستاها به دلیل قلت جمعیت یا عوامل دیگر خالی از سکنه شده و در همان دوره صفوی از میان رفته‌اند. اطلاعات جدول ۲ در بررسی منابع مکتوب و حضور در روستاهای یادشده در جریان گفت‌وگو با آگاهان محلی و کنکاش در رسیدن به نام اصلی این روستاها به دست آمده است.

جدول ۲. روستاهای ارمنی‌نشین لنجان و اسامی امروزی آن‌ها (منبع: نگارندگان)

اسامی فعلی	اسامی در منابع	اسامی فعلی	اسامی در منابع	اسامی فعلی	اسامی در منابع
کروج	کورج، کاروج	جوزدان	جوزان، جوزون	اسلام‌آباد	مشاغبور، شهاب‌آباد
کله مسیح	کله، کتاله‌مسیح	خوانسارک	خونسارک	بارچان	پارتان، بارتون
کلیسان	کالیسان، کلیسون	زازران	زازوران	باغبادران	وردان، باغ‌وردان
مهرگان	میرگیون، میرگون	زودان	زودون	بروزاد	بوره‌زاد، بروزارد
مهرنجان	مهرنجان ارامنه، قلعه مهرنجان	سیمسان	سمسون	بُندارت	بندارد، بون‌دارد
محمدیه	میمید، ممد ارامنه	فودان	بیدان، پیدون	پلارت	پلارد
یزدآباد	قلعه ارمنی، نظام‌آباد	کافشان	کاپاشان، کافاشان	پیربکران	کارکن، گرکن

## ۷. پراکندگی روستاهای ارمنی‌نشین لنجان

پراکندگی روستاهای ارمنی‌نشین لنجان به‌شکلی بود که در هر چهار ناحیه این منطقه روستای ارمنی‌نشین وجود داشت. از حوالی پل زمان‌خان تا پُل کله روی زاینده‌رود، که ناحیه‌ای کوهستانی و بیابانی و سطح زیر کشت آن محدود بود، ناحیه آیدغمش خوانده می‌شد (شکل ۲). این ناحیه در جنوب‌غرب لنجان و متصل به چهارمحال بود. در این ناحیه روستای وردان ارمنی‌نشین بود (همان). ناحیه بعدی در جنوب منطقه لنجان اُشیان نام داشت. این ناحیه نیز به‌دلیل بیابانی‌بودن بخش‌هایی از آن وسعت زمین‌های حاصل‌خیز آن چندان زیاد نبود. از این ناحیه فقط روستای کله‌مسیح در شمار روستاهای ارمنی‌نشین ذکر شده است (دره‌هانیان ۱۳۷۹: ۶۱۹). روستاهای ارمنی‌نشین وردان و کله‌مسیح در حاشیه زاینده‌رود قرار داشتند. این دو روستا با فاصله بیش‌تری از جلفا و روستاهای ارمنی‌نشین دیگر واقع شده بودند (شکل ۲؛ برای اطلاع از موقعیت روستاهای نواحی آیدغمش، اُشیان، و اسامی این روستاها در طومار منسوب به شیخ بهایی، بنگرید به حسینی ابری ۱۳۷۹: ۹۶-۱۲۰). مسیر ماریپچ رودخانه زاینده‌رود با عبور از این دو ناحیه و دورزدن کوه اشترجان به گرکن و پل بابامحمود می‌رسید و سپس با گذر از ناحیه اشترجان در حوالی کوه آتشگاه با عبور از منطقه لنجان وارد بلوک ماریپچ می‌شد (شکل ۲). بررسی‌ها نشان می‌دهند که در دوره شاه‌عباس اول ارامنه لنجان عمدتاً در حاشیه زمین‌های بارآور لنجان و نزدیک به جلفای نو اسکان داده شدند.



سیوری (۱۳۸۵: ۱۵۵) به‌سختی می‌توان پذیرفت که این شرایط توانسته باشد جمعیت زیادی از افراد بومی را در این منطقه گرد آورده باشد. به‌نظر می‌رسد کوچ اجباری خانوارهای آرامنه به نواحی روستایی گرکن در جهت هدف شاه‌عباس اول و ازدیاد جمعیت فعال این ناحیه و رونق‌بخشیدن به کشاورزی، دام‌پروری، و باغداری آن صورت گرفته است.

ناحیه اشترجان در شمال منطقه لنجان و نزدیک به جلفای اصفهان بیش‌ترین سطح هموار زمین‌های حاصل‌خیز را دربر می‌گرفت و در دو سوی رودخانه قرار داشت (شکل ۲). روستاهای ارمنی‌نشین مهنجان، ممد، بندارت، کروج، زازران، کافشان، و فودان روستاهایی بودند که در نقطه مقابل منطقه گرکن و به قرینه نسبت به زاینده‌رود در منطقه اشترجان قرار داشتند. به‌طور کلی، تراکم عمده روستاهای ارمنی‌نشین منطقه لنجان از پل بابامحمود تا نزدیک کوه آتشگاه و در دو طرف حاشیه زاینده‌رود واقع شده بود. طبیعی است که محدوده یادشده در زمان پرآبی زاینده‌رود همواره از اراضی حاصل‌خیز و مساعد برای فعالیت‌های کشاورزی و دام‌داری بود. ترتیب اسکان خانوارهای آرامنه در حاشیه دو سوی زاینده‌رود، در نواحی حاصل‌خیز و پرآب نزدیک پایتخت صفوی، حکایت از هدف شاه‌عباس اول در توسعه حوزه کشاورزی، دام‌داری، و باغداری این نواحی داشت.

## ۸. حمایت شاهان صفوی از آرامنه مهاجر

سیاست شاهان صفوی رفتار مسالمت‌آمیز با روستانشینان ارمنی و توجه به آنان بود. در دوره صفوی بیش‌ترین توجه به رعایای ارمنی از طرف شاه‌عباس اول صورت گرفت. مهاجرت آرامنه در زمان شاه‌عباس اول درحالت اضطرار و در موقعیت و شرایط نامساعد جنگی صورت گرفت. آرامنه در جریان این مهاجرت اجباری مصائب و دشواری‌های زیادی را پشت سر نهادند و متحمل صدمات جانی و مالی فراوان شدند. طی مهاجرت آرامنه بسیاری از آنها بر اثر عوامل جوی، گرسنگی، بیماری، و دیگر مصائب جان خود را از دست دادند (خزائیلی ۱۳۸۶: ۳). در دوره صفوی درحالی‌که پیشه‌وران ارمنی، کارگران، و مزرعه‌داران عادی اکثریت قاطع جامعه آرامنه ایران را تشکیل می‌دادند و در بسیاری از شهرهای ایران پراکنده بودند، با سختی‌های معیشتی، نابه‌سامانی‌های اجتماعی و مشکلات مذهبی روبه‌رو بودند (غوگاسیان ۱۳۹۳: ۱۴۰). جامعه ارمنی مهاجر در شرایط بی‌پناهی و فشارهای روحی نیازمند حمایت و همدلی شاه و درباریان بودند. یقیناً رفتار شاهان صفوی به مقتضای منافی که از فعالیت اقتصادی و تجاری آرامنه به‌دست می‌آوردند با مساعدت و حمایت از آنها توأم بود.

شاه‌عباس بزرگ و شاه صفی، که به آسایش و رفاه ارامنه اهمیت می‌دادند، همواره در نکوداشت و حمایت آنان می‌کوشیدند (شاردن ۱۳۷۵: ج ۲، ۷۰۷). رفتار شاه‌عباس اول و دو جانشین بعد از او، یعنی شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق)، با ارامنه غالباً به‌علت ملاحظات اقتصادی و سیاسی با شکیبایی همراه بود (غوگاسیان ۱۳۹۳: ۱۲۰). حمایت دولت صفوی از ارامنه مهاجر در ابعاد مالی، مذهبی، و فرهنگی - اجتماعی قابل‌بررسی است.

## ۱۸ حمایت مالی

ارامنه مهاجر که به‌اجبار و در شرایط نابه‌سامان جنگی مسافت طولانی تا مقصد را با مشقات زیاد پشت‌سر گذاشته بودند، قبل از هرچیز محتاج حمایت‌های مالی بودند تا بتوانند درحد ضرورت امرار معاش کنند. پس از جای‌گرفتن خانوارهای روستایی ارامنه در بلوک‌های درنظر گرفته‌شده از طرف دربار شاه به‌قدر کافی بذر و سایر ملزومات کاشت به هر آبادی اختصاص یافت. هم‌چنین به تهی‌دستان آن‌ها گاو و حیوانات دیگری، که در زراعت استفاده می‌شد، داده شد تا درابتدا درآمدی درحد کفایت به‌دست آورند (دروهانیان ۱۳۷۹: ۵۴). ارامنه مهاجر روستایی مجبور بودند با بهره‌مندی از حمایت صفویان و هم‌نوعان خود در ناحیه جلفای اصفهان درجهت حفظ جامعه اقلیت خود تلاش کنند. شاه‌عباس اول در آبادسازی روستاهای ارمنی‌نشین از هیچ‌گونه مساعدتی فروگذاری نکرد. او ارامنه مهاجر را حمایت مالی کرد و به آن‌ها وام می‌داد تا حیوانات و گاوآهن خریداری کنند (شفقی ۱۳۸۱: ۵۷۳). عمده توجه صفویان به روستاهای ارمنی‌نشین حول فعالیت‌های کشاورزی، دام‌داری، و مشاغل وابسته به آن بود. به‌مرور که مهاجران توانستند درآمد زیادی به‌دست آورند بر آن‌ها مالیات قرار داده شد. شاه‌عباس اول مالیات‌هایی را که ارامنه به دربار می‌پرداختند تا حدی که برایشان مطلوب بود کاهش داد (غوگاسیان ۱۳۹۳: ۱۴۰). در دوره صفوی ارامنه مهاجر روستایی حومه اصفهان از سوی هم‌کیشان خود و تجار جلفای اصفهان نیز حمایت مالی می‌شدند.

حمایت مالی ارامنه توسط صفویان تنها از سوی شاه‌عباس اول نبود، بلکه در زمان جانشینان او نیز این حمایت صورت می‌گرفت. در زمان شاه‌عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق) ارامنه لنجان تعهد کرده بودند تا طبق معمول در برابر باقی‌ماندن به دین خود و قرارگرفتن در پناه حکومت صفوی هر ساله مبلغی را به‌منزله جزیه به شاه بپردازند. در زمان شاه‌سلیمان صفوی ارامنه لنجان به‌مدت چند سال نتوانسته بودند این مبلغ را بپردازند. وزیر بزرگ برای



وصول بدهی ارامنه لنجان مقرری سربازان چریک را به آنها حواله کرده بود، اما آنها راهی برای پرداخت بدهی خود نیافتند و به ناچار برای رهایی از پرداخت جزیه و رهایی از چوب و چماق چریک‌ها به اعتمادالدوله مراجعه کردند تا آنها را به دین اسلام بپذیرد. زمانی که وزیر سبب اسلام آوردن آنها را پرسید و دانست که فقر مالی آنها را به تغییر مذهب واداشته است، موضوع را با شاه سلیمان در میان گذاشت. شاه دستور داد تا تقاضای اسلام آوردن آنها را نپذیرند و بدهی آنها را ببخشند (سانسون ۱۳۴۶: ۳۱). در اواخر دوره صفویه و در زمان شاه سلطان حسین صفوی، ارامنه متحمل فشارها و محدودیت‌هایی شدند (کروسینسکی ۱۳۶۳: ۲۴). شاه سلطان حسین قوانین سخت‌گیرانه‌ای را علیه اقلیت‌های دینی در ایران وضع کرد که با نارضایتی آنها همراه بود (غوگاسیان ۱۳۹۳: ۲۵۸). فشارهای ناشی از ضعف حکومت صفوی در اواخر این دوره عمدتاً سبب آشفتگی اوضاع جامعه ارامنه و ضعف بنیه مالی آنها شد.

## ۲۸ حمایت مذهبی

شاه عباس اول به ارامنه مهاجر آزادی‌های مذهبی داد و آنها را در پای‌بندی به عقاید خود آزاد گذاشت. با اعطای آزادی‌های مذهبی از جانب شاه ارامنه مناطق مختلف اجازه یافتند با آزادی کامل مراسم مذهبی خود را اجرا کنند، کلیسا بسازند، علامت صلیب را در بالای گنبد کلیساها نصب کنند، و ناقوس بزنند (هنرفر ۱۳۶۵: ۱۷۴). شاه عباس اول اجازه داد تا در روستاها و حتی قلعه‌ها نیز کلیسا بسازند. مخاطب قرارگرفتن کلیساهای لنجان و النجان در فرمان شاهان صفوی نشان از وجود کلیسا در نواحی ارمنی‌نشین لنجان است (برای اطلاع از متن فرمان، بنگرید به غوگاسیان ۱۳۹۳: ۱۴۰، ۳۲۲؛ اعرابی هاشمی ۱۳۹۴: ۳۲۹). تعداد روستاهای ارمنی‌نشین منطقه لنجان تا ۲۶ روستا نیز ذکر شده است (ملکمیان ۱۳۸۰: ۸۶). مورخان ارمنی بر این باورند که در اکثر دهات این محدوده کلیسا وجود داشته است (همان). وجود آثار محدودی از قلعه‌های ارمنی در برخی روستاها و روایت آگاهان محلی از وجود کلیساهایی خبر می‌دهند که به ناقوس مجهز بوده‌اند.

توجه شاه عباس اول به ارامنه بیش از توجه دیگر شاهان صفوی بود؛ به طوری که بیش‌ترین کلیساها در زمان شاه عباس اول ساخته شد (چلونگر و کریمی ۱۳۹۲: ۸۴). شاه عباس مرادده با ارمنیان را عاملی برای زدودن چهره متعصب مذهبی از دربار ایران می‌دانست (صفاکیش ۱۳۹۰: ۴۰۹). این رفتار شاه مخالفت و مقاومت درباریان را در

به کارگیری ارامنه در تجارت و سایر بخش‌های اقتصادی محدود می‌کرد. شاه در اختلافاتی که بین ارامنه و روستاییان مسلمان بر سر آب و زمین پیش می‌آمد، از رعایای جدید جانب‌داری می‌کرد (شفقی ۱۳۸۱: ۵۷۳). صفویان در مدارا با ارامنه به منافع حاصل از کار و فعالیت اقتصادی آن‌ها توجه داشتند و اغلب خود را عاری از تعصبات مذهبی نشان می‌دادند. در مجموع عملکرد شاهان صفوی در خصوص ارامنه مهاجر هم‌راه با تساهل و اعطای امتیازات و آزادی‌های مذهبی گزارش شده است.

برپایه فرمانی به جامانده از شاه سلیمان صفوی ۱۰۷۷-۱۱۰۵ق (برای آگاهی بیشتر از متن فرمان، بنگرید به اعرابی هاشمی ۱۳۹۴: ۳۲۹) در سال ۱۰۷۹ق در منع دخالت مأموران ایرانی در امور دینی ارامنه فرمانی خطاب به همه حکام اصفهان به خصوص مناطق فریدن، لنجان، و چهارمحال صادر شد و طی آن شاه اخطار داد که مأموران در امور مذهبی ارامنه مداخله نکنند و آنان را در اقامه مراسم دینی آزاد گذارند. جانشینان شاه عباس اول نیز سیاست تسامح و مدارای با ارامنه را در پیش گرفتند، اما ارامنه پایتخت و حومه آن در اواخر دوره صفوی، به ویژه در زمان شاه سلطان حسین، متحمل فشارهای مذهبی و اقتصادی زیادی شدند.

### ۳۸ حمایت فرهنگی - اجتماعی

شاه عباس اول خانوارهای روستایی ارامنه مهاجر را در نواحی لنجان و نزدیک هم‌نوعان آن‌ها در جلغای اصفهان اسکان داد. آن‌ها جامعه اقلیتی بودند که در سرزمینی غریب و در بین مسلمانان روزگار می‌گذراندند. نزدیکی بعد مسافت روستاهای ارمنی‌نشین لنجان نسبت به جلغا این امکان را فراهم می‌کرد که ارامنه روستانشین لنجان روزانه بین روستاها و شهر جلغا در رفت‌وآمد باشند و با هم‌کیشان خود در جلغا مراودات اقتصادی و فرهنگی داشته باشند. هم‌زیستی میان جامعه بومیان مسلمان و ارامنه مسیحی آسان نبود؛ به ویژه در بحث شراب که مسلمانان آن را نجس و مصرف آن را حرام می‌دانند. به سبب اختلافات مذهبی و تفاوت در شیوه زندگی و عادات اجتماعی، گاهی بین دو جامعه تنش‌هایی وجود داشت (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به فلسفی ۱۳۴۷: ج ۳، ۲۱۲). با وجود این، در دوران شکوفایی و رونق پایتخت صفوی عمدتاً بین شاه و کارگزاران حکومتی و مردم شهرها و روستاهای ارمنی‌نشین تعامل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز وجود داشت (بایوردیان ۱۳۷۵: ۱۴). گفتنی است که رضایت ارامنه حومه اصفهان رضایت شهرنشینان جلغا، تجار، و ممولان

آن‌ها را به‌همراه داشت که از تجارت تجار ارمنی سود سرشاری نصیب دربار صفوی می‌شد. ارامنه به مذهب فرهنگ و عادات اجتماعی خود پای‌بند بودند. اگرچه شاه‌عباس اول در پی گرایش دادن ارامنه ایران به دین اسلام بود (خزائیلی ۱۳۸۶: ۱۲)، شاه درکل به‌دنبال آن نبود که ارامنه را به اسلام‌آوردن وادار کند. نقل است که شاه در لباس دوره‌گردی خرده‌فروش در دهکده لنجان به خانه داود کشیش عیسوی رفت و پس از گفت‌وگو با وی و بازگشت به قصر دستور داد، از آن‌پس اگر از عیسویان کسی مسلمان شد و دوباره به دین عیسی برگشت، مزاحم او نشوند و شکنجه‌اش نکنند و در کار دین آزادش گذارند. حکم شاه در آن زمان اجرا شد و تا آخر دوره صفوی به‌قوت خود باقی بود (فلسفی ۱۳۴۷: ج ۲، ۳۷۷). شاه‌عباس به‌دنبال آن نبود تا با نادیده‌گرفتن خصوصیات فرهنگی و اجتماعی ارامنه آن‌ها را در جامعه مسلمانان مستحیل کند. مقاومت کشیشان ارمنی و منافع اقتصادی حاصل از فعالیت ارامنه به‌همراه نارضایتی کشورهای اروپای مسیحی امکان این کار را از شاه سلب می‌کرد.

شاه‌عباس اول در رفتار مسالمت‌آمیز با ارامنه و توجه و حمایت از آن‌ها از طرفی در نظر داشت تا تعصب مسلمانان نسبت ارامنه را از میان بردارد و از طرف دیگر، ضمن بهره‌مندی از خدمات ارامنه در بخش‌های تولیدی، تجاری، و امنیتی خود را در برابر سفیران و اتباع بیگانه عاری از تعصبات دینی جلوه دهد تا در مناسبات سیاسی و تجاری خود با اروپا توجه سران و تجار کشورهای اروپایی را جلب کند.

امنیت، انسجام اجتماعی، و حفظ فرهنگ و عادات زندگی ارامنه روستایی را بر آن داشت تا محل سکونت خود را با قلعه‌های بلند و وسیع محصور کنند. اسامی بعضی از روستاهای ارمنی‌نشین لنجان، نظیر قلعه ارمنی و مهرنجان، نشان از وجود قلعه در این نواحی است. از آن‌جاکه این قلعه‌ها با خشت و گل بنا می‌شد با گذشت زمان در سال‌های نه‌چندان دور با بی‌توجهی اهالی منطقه رو به ویرانی رفتند.

در کنار آزادی‌های اجتماعی ارامنه ساکن در روستاهای حومه اصفهان محدودیت‌هایی نیز داشته‌اند. برای مثال، ارامنه حق نداشتند محل سکونتی را تغییر دهند که در قبال آن مالیات پرداخت می‌کردند و در آن‌جا ثبت‌نام شده بودند (غوگاسیان ۱۳۹۳: ۱۱۵). روستائیشینان ارمنی در ایران از توجه نویسندگان معاصر خود به‌دور ماندند، تاجایی‌که امروزه وضع زندگی اجتماعی آن‌ها عمدتاً با تکیه بر شواهد و مطالب پراکنده در منابع مختلف قابل‌بررسی است.

## ۹. اهداف شاه‌عباس اول از کوچاندن ارامنه به لنجان

بی‌شک کوچ اجباری ارامنه به پایتخت صفوی و حومه آن با برنامه‌ریزی صورت گرفته است. به عقیده واگن غوگاسیان (Vazgen Ghookasian) شاه‌عباس اول توانسته است با بهره‌گیری از فصل زمستان و در زمان اقامت آوارگان در شمال ایران، پراکندگی آن‌ها در نقاط مختلف کشور را به‌دقت طبق برنامه اقتصادی خود طرح‌ریزی کند (غوگاسیان ۱۳۹۳: ۸۸). آنچه در حالت اضطرار به کوچ ناگزیر ارامنه از موطن اصلی آن‌ها منجر شد، نجات جان آن‌ها اعلام شد، اما در ادامه برنامه‌ریزی به‌شکلی بود که گروه‌هایی از خانوارهای روستایی ارامنه در نقاط مستعد، اما کم‌جمعیت مناطق حومه پایتخت صفوی از جمله در منطقه لنجان اسکان یابند. این موضوع که کوچ ناگزیر ارامنه به منطقه لنجان را شاه‌عباس اول با برنامه‌ریزی قبلی انجام داده است در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، و دفاعی قابل تأمل و بررسی است.

### ۱.۹ اهداف سیاسی

مهاجرت ناگزیر ارامنه از موطن اصلی آن‌ها با هدف جلوگیری از دست‌یابی عثمانی‌ها به مردمانی بود که اهل تجارت، کار، و فعالیت بودند و ارامنه مناطق ارمنستان و ایروان افرادی مستعد در تجارت، کار، و تولید بودند و در فنون تجارت مهارت داشتند (شاردن ۱۳۷۵: ج ۴، ۱۵۷۲). شاه‌عباس اول نمی‌خواست با به‌اسارت‌رفتن آن‌ها نزد عثمانی‌ها هنر و فن این افراد در خدمت عثمانی‌ها قرار گیرد. شاه‌عباس اول برای برپایی پایتختی با عظمت و تجارتمندی پررونق به افراد برگزیده در این حرفه نیاز داشت. نویسندگان ارمنی اغلب در توضیح این واقعه به اغراق پرداخته‌اند. آن‌ها عموماً در نوشته‌های خود با بزرگ‌نمایی نقش ارامنه در کار و تجارت، اهداف شاه‌عباس اول را به بُعد اقتصادی پدیده کوچ معطوف کرده‌اند. سیرجان ملکم (Sir John Malcolm) دیدی انتقادی به این دیدگاه از سیاست شاه‌عباس اول در خصوص نحوه کوچ ارامنه دفاع کرده است. وی اقدام شاه‌عباس را در درجه اول نجات جان ارامنه و ارزش نهادن به آن‌ها و کار و تلاش آن‌ها را برای کشور مفید دانسته است (ملکم ۱۳۸۰: ج ۱، ۳۷۵). بی‌تردید در ادامه حکومت صفوی بخشی از پیشرفت پایتخت صفوی و رونق تولید منطقه لنجان در بخش اقتصادی و کشت و زرع حاصل افزایش نیروی کار ماهر در این منطقه بود.

## ۲.۹ اهداف اقتصادی

سیاست‌های اقتصادی شاه‌عباس اول در بخش کشاورزی در ادامه حکومت صفوی به‌ویژه، در زمان شاه‌عباس دوم، سبب رونق کشاورزی منطقه لنجان شد. در دوره صفوی زمین و کشاورزی از مهم‌ترین و مطمئن‌ترین منابع اقتصادی مملکت بود (باستانی پاریزی ۱۳۶۲: ۶۱). در این دوره پایه‌های دوگانه اقتصاد داخلی گله‌داری و کشاورزی بود (سیوری ۱۳۸۵: ۱۸۳). به فحوای *سفرنامه شاردن*، شاه‌عباس کبیر گروهی از گبران و ارامنه را، که صنعت‌گر و از جمله ارباب حرف و هنر بودند، به ایران کوچاند و آنان را بیرون پایتخت مسکن داد. در بین آن‌ها افرادی به نمدمالی مشغول بودند که کلاه و پوشاک مخصوص درست می‌کردند (شاردن ۱۳۷۵: ج ۴، ۱۵۷۳). هنرمندان یا صنعت‌گرانی که در جلغا مشغول کار بودند، به دلیل نزدیکی و هم‌جواری لنجان با پایتخت صفوی می‌توانستند برای رفع احتیاجات زندگی ارامنه به روستاهای ارمنی‌نشین رفت‌وآمد کنند. دره‌وهانیان درخصوص مشاغل محله ایروانی‌ها و تبریزی‌های جلغا شغل بیش‌تر آن‌ها را پالان‌دوزی عنوان می‌کند که تا آبادی‌های لنجان هم رفت‌وآمد داشتند (دره‌وهانیان ۱۳۷۹: ۶۰۸). کوچاندن ارامنه به روستاهای کم‌جمعیت و مستعد کشت و زرع نشان می‌دهد که شاه به نیروی کار ماهر و فعالی نیاز داشت تا با تلفیق آن با نیروی کار بومی در نقاط مستعد، اما کم‌جمعیت منطقه لنجان، رونق کشت و تولید را در حاشیه طولی زاینده‌رود و زمین‌های بارآور آن ایجاد کند. با این اقدام بخشی از آذوقه موردنیاز جمعیت رو به افزایش پایتخت جدید تأمین می‌شد.

سسیل ادواردز، بازرگان و نویسنده انگلیسی، که از نزدیک با زندگی اجتماعی ارامنه و فعالیت آن‌ها در روستاهای ارمنی‌نشین آشنایی داشت، دهقانان ارمنی را نژادی آرام، خوش‌بینه، و از دهقانان ایرانی منظم‌تر، پرکارتر، و صرفه‌جوتر می‌دانست که در کشت و زرع بر دهقانان ایرانی برتری داشتند (ادواردز ۱۳۶۲: ۱۶۳). به عقیده واهان بایوردیان (Vahan Baybordian)، شاه‌عباس عمده‌تأ در طرح‌ریزی کوچ و مهاجرت جمعی ارامنه می‌خواست تعداد ساکنان مناطق مرکزی کم‌جمعیت را با گروه‌های مهاجر افزایش دهد و به زندگی اقتصادی کشور رونق بخشید. وی طرح‌ریزی کوچ جمعی ارامنه را برای بهبود زندگی اقتصادی مناطق مرکزی ایران می‌داند (بایوردیان ۱۳۷۵: ۳۴). شاه با کمک و مساعدت ارامنه و با درپیش گرفتن سیاست تسامح و احترام به مقدسات مذهبی آن‌ها بر آن بود تا با افزایش تولید و توسعه مبادلات سیاسی و اقتصادی خود با کشورهای مسیحی اروپایی بر رونق اقتصادی کشور بیفزاید. اهداف اقتصادی شاه‌عباس اول در حوزه کشت و

زرع در لنجان در دوره او و جانشینانش تداوم داشت. در زمان شاه عباس اول از کشت گسترده محصول برنج در منطقه لنجان روایت شده است (منجم ۱۳۶۶: ۴۲۹). شاردن فرانسوی که در زمان پادشاهی شاه عباس دوم و پسر و جانشینش، شاه سلیمان، افزون بر دوازده سال در ایران به سر برده است، می نویسد: «بهترین خشخاش ایران در لنجان، شش فرسنگی اصفهان، به دست می آید و در سراسر اطراف این شهرک بوته خشخاش می کارند» (شاردن ۱۳۷۵: ج ۲، ۷۰۷). در آن زمان، لنجان در جوار شهر بزرگ اصفهان و بر سر راه کاروان روی اصفهان به خوزستان قرار داشت. در این صورت می توان تصور کرد که کشاورزی آن جنبه کالایی داشته است. بدیهی است که با رونق کشت و زرع و فعالیت های مرتبط با آن مازاد محصولات تولیدی به پایتخت و بلاد دیگر فرستاده می شد.

### ۳.۹ اهداف دفاعی

اصفهان در زمان حکومت های پیش از صفوی نیز از سوی جنوب غربی با تهدید مواجه بود. در دوره ایلخانان لنجان با حکومت سرزمین گربزرگ (۵۵۰-۸۲۷ق) هم مرز بود، در واقع لنجان بین سرزمین اتابکان گربزرگ و اصفهان قرار داشت. لنجان در جنوب غربی اصفهان به ویژه در زمان اتابک افراسیاب (۶۸۴-۶۹۵ق) همواره در معرض تهدید اتابکان گربزرگ قرار داشت، به طوری که در سال ۶۹۰ق، در حالی که منطقه لنجان در تصرف اتابکان بود، اصفهان نیز مدتی کوتاه به تصرف اتابک افراسیاب درآمد (نطنزی ۱۳۸۳: ۴۴). آخرین اتابک گربزرگ غیاث الدین کاوس نام داشت. سلسله اتابکان گر در سال ۸۲۷ق، در زمان سلطان ابراهیم بن شاهرخ تیموری منقرض شد (غفاری قزوینی ۱۳۴۳: ۱۷۲). سرزمین لربزرگ را در دوره صفوی بختیاری ها اداره می کردند. شاه طهماسب اول عنوان سردار ایلات لرستان را از تاج میر، رئیس طایفه آسترکی، گرفت و به جهانگیرخان بختیاروند تفویض کرد تا با پرداخت مبلغی معین به نیابت از صفویان بر این قوم حاکمیت داشته باشد (بدلیسی ۱۳۷۷: ۷۶). در واقع، بختیاری ها در قبال پرداخت مبلغی که شاه معین کرد، حاکمیت محلی خود را تثبیت کردند.

اقوام بختیاری در زمان حکومت شاه محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۶ق)، فرزند شاه طهماسب صفوی، در کهگیلویه علیه سیاست های حکومت دست به شورش زده بودند و تهدیدی جدی علیه صفویان محسوب می شدند (ثواقب و روشن فکر ۱۳۸۸: ۲۸). شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق) در سال هفتم جلوس خود بر تخت پادشاهی مجبور شد که به هم راه

سپاهی برای سرکوبی شاه‌ویردی خان به خرم‌آباد لشکرکشی کند. در این لشکرکشی، شاه‌عباس اول پس از تصرف خرم‌آباد حکومت آن‌جا را به مهدی‌قلی خان شاملو واگذار کرد (ترکمان ۱۳۸۲: ۴۲). از زمان تثبیت نظام سیاسی صفوی در اصفهان، مقابله با تهدید پایتخت از ناحیه جنوب‌غربی مورد توجه قرار گرفت. شاه‌عباس اول سعی داشت با کوچ اجباری خانوارهایی از ارامنه، گرجی‌ها، کردها، و ترک‌ها به منطقه لنجان و فریدن از ظرفیت‌های دفاعی این دو منطقه در مقابل تهدید حملات احتمالی از سوی جنوب‌غرب استفاده کند.

در سیاست شاه‌عباس اول مبنی بر اسکان خانوارهای ارامنه در منطقه لنجان علاوه بر اهداف سیاسی، اقتصادی، و رونق تولیدات کشاورزی و دامی سیاست دفاعی نیز مدنظر بود. افزایش جمعیت فعال این روستاها می‌توانست در شرایط حملات نظامی احتمالی از سوی جنوب و جنوب‌غربی پایتخت صفوی را حفظ کند. جای‌دادن ارامنه در مناطق روستایی نوعی سیاست دفاعی را دنبال می‌کرد و این مناطق اولین مناطق دفاعی در مقابل حملات احتمالی جنوب و جنوب‌غربی به اصفهان بودند (شفقی ۱۳۸۱: ۵۷۳). جمعیت فعال روستاهای لنجان پشوانه‌ای برای دفاع از جنوب و جنوب‌غربی پایتخت بود. در انگیزه شاه‌عباس اول مبنی بر اسکان اقوام مختلف در لنجان می‌توان دریافت که ترکیب نیروی امنیتی و دفاعی قوی می‌توانست در شرایط اضطرار پایتخت صفوی را از حملات احتمالی ضلع جنوب‌غربی حفظ کند.

## ۱۰. افول نهایی ارامنه لنجان

در اواخر دوره صفوی، در فاصله سال‌های (۱۰۷۷-۱۱۳۵ق)، شاه‌سلیمان و به‌ویژه شاه سلطان‌حسین، با وجود سیاست‌های مسالمت‌آمیز اجداد خود، شیوه‌های سرکوب‌گرایانه‌ای را در مقابل ارامنه در پیش گرفتند. در این حال ارامنه متحمل فشارهای گوناگون مالیاتی و محدودیت‌های اقتصادی و مذهبی شدند (غوغاسیان ۱۳۹۳: ۲۹۸). زمانی که محمود افغان بر اصفهان دست یافت، بر ارمنیان جلفا و آنان که در روستاها بودند و بر مسلمانان کشاورز ایرانی مالیات‌ها و اجاره‌بهای سنگین بر اراضی وضع کرد. در این حال اوضاع کشور سخت شد و ناآرامی‌ها، هرج‌ومرج، و غارت اموال شدت یافت، منابع مالی ارامنه سخت کاهش یافت، و بسیاری از آن‌ها دچار تنگ‌دستی و درماندگی شدند (گیلاننتر ۱۳۷۱: ۱۰۴). در خصوص لنجان اطلاع واقعی در دست نیست که ارامنه چگونه و چه زمانی روستاهای ارمنی‌نشین منطقه را ترک کرده‌اند.

در حال حاضر، هیچ خانوار ارمنی در لنجان زندگی نمی‌کند. در فضای تحقیقات میدانی در روستاهای ارمنی‌نشین لنجان مشخص شد که قبرستان‌های آرامنه در این روستاها طی سالیان طولانی در خاک مدفون شده‌اند و آثاری از سنگ‌نوشته‌های قبور آن‌ها آشکار نیست تا به این وسیله حدود زمانی خروج آرامنه تعیین شود. در این زمینه، کاوش‌های متخصصان حفاری می‌تواند تا حدی گره‌گشای برخی مسائل باشد.

هارتون درهوهانیان (Harton Derhohanian)، که کتاب خود را در حدود سال ۱۸۸۰م/ ۱۲۹۷ق تألیف کرده است، بر این باور است: «نزدیک به ۱۲۰ سال پیش نام لنجان در اسناد و مدارک مسیحیان یاد شده است، اما بعد از آن دیگر از آن یاد نمی‌شود» (درهوهانیان ۱۳۷۹: ۶۱۹). در تحقیقات میدانی نیز بسیاری از آگاهان کهن سال منطقه با این که به ارمنی‌نشین بودن شماری از روستاهای منطقه اذعان داشتند، از خود یا پدران‌شان خاطراتی از هم‌زیستی با آرامنه بیان نکردند. با این وصف، آرامنه‌ای که در دوره شاه‌عباس اول به لنجان کوچانده شدند از حدود اول دو قرن حاضر و سال‌ها پیش از جنگ جهانی دوم منطقه را ترک کرده‌اند. در خصوص فرجام سکونت آرامنه در لنجان فرضیات متفاوتی مطرح است. بعضی خانوارهای ارمنی با گرایش به دین اسلام در جامعه مسلمانان لنجان مستحیل شدند و بعضی دیگر از آرامنه با مهاجرت از لنجان در کنار اقوام خود در جلفای اصفهان یا در فریدن سکونت گزیدند. فرضیه مهاجرت آرامنه لنجان به ارمنستان بعد از مهاجرت آن‌ها به جلفای اصفهان یا بعد از مهاجرت آن‌ها به فریدن امکان‌پذیر است. بعد از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۴ش/ ۱۹۴۶م، شمار زیادی از آرامنه جلفای اصفهان و فریدن و بعضی شهرهای دیگر با مشقات بسیار و با تشویق روس‌ها به ارمنستان مهاجرت کردند (مه‌ریار ۱۳۸۱: ۴۱۹). احتمال می‌رود آرامنه‌ای از لنجان بعد از مهاجرت خود به جلفا یا فریدن هم‌راه عده‌ای از آرامنه فریدن یا جلفا به ارمنستان مهاجرت کرده باشند. مسلمانان و آرامنه روستاهای ارمنی‌نشین فریدن طی قرن‌ها هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته‌اند. مردم مسلمان اصفهان و حومه آرامنه را هم‌چون قومی بیگانه به حساب نیاورده‌اند و در هم‌زیستی با آن‌ها روابط حسنه‌ای داشته‌اند. از این رو، مشکلات هم‌زیستی آرامنه با مسلمانان نمی‌تواند دلیل عمده ترک لنجان توسط آرامنه باشد.

## ۱.۱. نتیجه‌گیری

مهاجرت خانوارهای روستایی آرامنه مهاجر در زمان شاه‌عباس اول از ارمنستان و ایروان به مقصد حومه اصفهان و منطقه لنجان نوعی مهاجرت اجباری تلقی می‌شود. در ظاهر نجات



جان ارامنه و رهایی آن‌ها از دست نیروهای نظامی عثمانی مدنظر بود. این مهاجرت اجباری بعد از اسکان موقت آن‌ها در نواحی شمالی ایران با اهداف تعیین‌شده طی چند مرحله به نواحی مختلف لنجان صورت گرفت. ارامنه با حمایت شاه در نواحی حاصل‌خیز و مستعد کشت اسکان داده شدند و حمایت مالی و مذهبی شاه و درباریان توانست به زندگی آن‌ها رونق بخشد. مهاجران با اهداف سیاسی، اقتصادی، و دفاعی در لنجان اسکان داده شدند. توجه به ارامنه و حمایت‌های مالی و مذهبی شاهان صفوی از آن‌ها با هدف جلب رضایت سران کشورهای مسیحی اروپایی و رونق مراودات تجاری با آن‌ها صورت گرفت. استفاده از نیروی کار ماهر و تلفیق آن با نیروی بومی سبب رونق کشت و زرع و مشاغل مرتبط با آن شد. با اسکان ارامنه مهاجر و گروه‌هایی از اقوام دیگر نظیر گرجی‌ها، ترک‌ها، و... منطقه لنجان توانست بخشی از امنیت دفاعی پایتخت را از تهدید احتمالی از سوی جنوب و جنوب‌غرب تأمین کند. نواحی امروزی اسلام‌آباد، بارچان، باغبادران، بروزاد، بُندارت، پلارت، پیربکران، جوزدان، خوانسارک، زازران، زودان، سیمسان، فودان، کافشان، کروج، کله‌مسیح، کلیسان، مهرگان، مهربنجان، محمدیه، و یزدآباد از روستاهای ارمنی‌نشین لنجان در دوره صفویه‌اند. در اواخر دوره صفوی فشارهای ناشی از نابه‌سامانی‌های موجود انسجام اجتماعی ارامنه ساکن در لنجان را از میان برد و به تدریج سبب افول نهایی و مهاجرت یا مسحیل شدن آن‌ها در جامعه بومی منطقه شد.

### شیوه ارجاع به این مقاله

هاشم‌زاده درچه عابدی، حسین، فیض‌الله بوشاسب گوشه، و سیدعلیرضا ابطحی (۱۳۹۹)، «تحلیلی بر مهاجرت و اسکان خانوارهای ارامنه در حومه اصفهان دوره صفوی؛ نمونه‌پژوهی: منطقه لنجان»، *دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی تحقیقات تاریخ اجتماعی*، س ۱۰، ش ۲.

doi: 10.30465/shc.2020.32410.2133

### کتاب‌نامه

- ابن بطوطه، محمدبن عبدالله (۱۳۷۶)، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: سپهر نقش.
- ادواردز، سسیل (۱۳۶۲)، *قالی ایران*، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران: انجمن دوست‌داران کتاب.
- الاصفهانی، محمد مهدی (۱۳۶۸)، *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: سپهر.
- اعرابی هاشمی، شکوه‌السادات (۱۳۹۴)، *ارامنه جلفای نو در عصر صفوی*، تهران: سازمان اسناد ملی.

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۲)، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران: صفی علی شاه.
- بایوردیان، واهان (۱۳۷۵)، *نقش ارامنه ایرانی در تجارت بین‌المللی تا پایان سده ۱۷ میلادی*، ترجمه ادیک باغداساریان (گرمانیک)، تهران: مؤلف.
- بدلیسی، امیر شرف‌خان (۱۳۷۷)، *شرف‌نامه*، به اهتمام ولیامینوف ولادیمیر، تهران: اساطیر.
- ترکمان، اسکندربیک (۱۳۸۲)، *سرگذشت شاه‌عباس اول*، به‌کوشش سیدسعید میرمحمدصادق، تهران: اهل قلم.
- ثواب، جهان‌بخش و محمدمهدی روشن‌فکر (۱۳۸۸)، «نگرشی بر شورش شاه قلندر در عصر صفوی»، *پژوهش‌های تاریخی*، ش ۱.
- جبری انصاری، میرزا حسن‌خان (۱۳۲۱)، *تاریخ اصفهان و ری*، اصفهان: عمادزاده.
- چلونگر، محمدعلی و زینب کریمی (۱۳۹۲)، *بررسی و تحلیل وضعیت مسیحیان در زمان شاه‌عباس اول*، پژوهش در تاریخ، ش ۱۱.
- حسینی ابری، سیدحسن (۱۳۷۹)، *زاینده‌رود از سرچشمه تا مرداب*، اصفهان: گل‌ها.
- حق‌نظریان، آرمن (۱۳۸۵)، *کلیساهای ارامنه جلفای نوی اصفهان*، ترجمه ناریس سهرابی ملایوسف، تهران: فرهنگستان هنر.
- خزائیلی، باقر (۱۳۸۶)، «وضعیت ارامنه ایران در عصر شاه‌عباس اول»، *پژوهش‌نامه تاریخ*، س ۳، ش ۱۰.
- دروهانیان، هارتون (۱۳۷۹)، *تاریخ جلفای اصفهان*، ترجمه لئون میناسیان و محمدعلی موسوی فریدنی، اصفهان: زنده‌رود با مشارکت نقش خورشید.
- سانسون، مورگان (۱۳۴۶)، *سفرنامه سانسون وضع کشور ایران در عهد شاه‌سلیمان صفوی*، به‌اهتمام و ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن‌سینا.
- سیرو، ماکسیم (۱۳۵۷)، *راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آن‌ها*، ترجمه مهدی مشایخی، تهران: حفاظت آثار باستانی.
- سیوری، راجر (۱۳۸۵)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۷۵)، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، مشهد: توس.
- شفقی، سیروس (۱۳۸۱)، *جغرافیای اصفهان*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- صفاکیش، حمیدرضا (۱۳۹۰)، *صفویان در گذر تاریخ*، تهران: سخن.
- غفاری قزوینی، قاضی‌احمد (۱۳۴۳)، *تاریخ جهان‌آرا*، تهران: کتاب‌فروشی حافظ.
- گوگاسیان، وازگن (۱۳۹۳)، *تاریخ ارامنه ایران در قرن هفدهم*، ترجمه سعید کریم‌پور، تهران: امیرکبیر.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۷)، *زندگانی شاه‌عباس اول*، تهران: دانشگاه تهران.
- کروسینسکی، یوداش تادیوش (۱۳۶۳)، *سفرنامه کروسینسکی: یادداشت‌های کشیش لهستانی عصر صفوی*، ترجمه عبدالرزاق دنبلی، تهران: توس.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزم.

تحلیلی بر مهاجرت و اسکان خانوارهای ارامنه ... (حسین هاشم‌زاده درچه عابدی و دیگران) ۲۹۱

گیلان‌تیز، پطرس دی سرکیس (۱۳۷۱)، *سقوط اصفهان*، ترجمه محمد مه‌یار، اصفهان: شهرداری اصفهان.  
لمتون، ا. ک. س. (۱۳۶۲)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.  
مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱)، *نزهة القلوب*، به‌کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، قزوین: حدیث امروز.  
ملکم، سرجان (۱۳۸۰)، *تاریخ کامل ایران*، ترجمه علی اصغر عبداللهی، تهران: افسون.  
ملک‌میان، لینا (۱۳۸۰)، *کلیساهای ارامنه ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.  
منجم، ملاجلال‌الدین (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال*، تهران: وحید.  
مه‌یار، محمد (۱۳۸۱)، *فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان*، اصفهان: فرهنگ مردم.  
نصیری، محمدابراهیم (۱۳۷۳)، *دستور شهریاران*، به‌کوشش محمدنادر نصیری‌مقدم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.  
نطنزی، معین‌الدین (۱۳۸۳)، *منتخب‌التواریخ*، تهران: اساطیر.  
واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۸۰)، *ایران در زمان شاه صفی و شاه‌عباس دوم؛ حدیقه ۶ و ۷ از روضه ۸ خلد برین*، تصحیح، تعلیق، توضیح، و اضافات محمدرضا نصیری، تهران: آثار و مفاخر فرهنگی.  
وحید قزوینی، محمدطاهر (۱۳۲۹)، *عباس‌نامه یا شرح زندگانی شاه‌عباس ثانی*، تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان، اراک: چاپ‌خانه فروردین.  
هنر فر، لطف‌الله (۱۳۶۵)، *اصفهان کتاب جوانان*، اصفهان: چاپ‌خانه زیبا.  
یزدی، حسین (۱۳۸۹)، «انتقال پایتخت صفویه به اصفهان و پی‌آمدهای آن»، *مجله رشد آموزش تاریخ*، ش ۱.

Arakel, Davarizhets'I. (1988), *Grik Patmteants, Varag Arakelean* (trans.), Erevan: Modern Eastern Armenian.

